

معلم اصفهانی و گردی زمین!

از «دکتر عزیزاله سلیم پور»

نیس - فرانسه

بنظر میرسید تا موقعی که یکی از خبرنگاران با کمال ادب از عرفات پرسید: آیا شما قبول میکنید که در مورد ۲۱ نفری که مقامات اسرائیلی در جستجویشان هستند مذاکره ای بکنید؟ ناگهان عرفات بخشم آمد و با عصبانیت شدید گفت: «شما چگونه جرأت میکنید چنین سؤالی را از من بکنید. آیا نمیدانید که من یک ژنرال هستم؟» من از مسائل و درجات نظامی چیزی نمیدانم ولی تصور کنم معمولاً درجات نظامی پادشاه رشادت و مردانگی و لیاقت یک سرباز است!

حالا به چه مناسبت، چگونه و چه کسی این پادشاه را به آقای عرفات داده، بمن مربوط نیست اما این عکس العمل خشن او مرا به دوران کودکی و دبستان دولتی «شمس» در اصفهان برگردانید.

کلاس پنجم ابتدائی بودم؛ در آنسال کتاب بزرگ مستطیلی داشتیم که کتاب جغرافیا بود و من از خریدن و داشتن آن کتاب با ابهت، بسی بخود میبالیدم. عکسهای قشنگی داشت که با تصاویر بچگانه کتاب های دیگر متفاوت بود. معلمی که مسئول تدریس جغرافیا بود، مردی باوقار و شیک پوش بود و من برایش بخاطر آن کتاب هم شده بود خیلی احترام قائل بودم! یکی از روزهای اول سال برایمان شرح داد که زمین مثل یک توپ گرد است و مثل آنکه درسی را حفظ کرده باشد برای اثبات آن سه دلیل آورد:

اول اینکه هنگامیکه کشتی از دور پیدا میشود، اول بادبان آن، سپس قسمت جلو و بالاخره تمام کشتی پدیدار میشود. دوم اینکه اگر در دشتی بایستید، افق بنظرتان گرد خواهد آمد و سوم آنکه اگر کسی از یک نقطه کره زمین براه بیفتد و مرتب حرکت کند دوباره پس از مدتی بهمان نقطه خواهد رسید. و با آهنگی فاتحانه ادامه داد: «پس فهمیدید که زمین گرد است؟»

هیچکس سؤالی نکرد و حرفی نزد. من انگشتم را بالا بردم و بسادگی پرسیدم: «آقا اگر زمین گرد است ما که اینطرف زمین روی پایمان ایستاده هستیم پس کسانیکه

میگویند حضرت محمد (ص) فرموده است هر قوم و ملتی شایسته حکمرانانی است که دارد چندی پیش این جمله را با ترجمه متفاوتی خواندم: هر ملتی «سزاوار» حکمرانانی است که دارد. «سزاوار بودن» بجای «شایستگی»، اختلاف کوچکی نیست و بیش از آنچه بچشم میخورد پرمعنی است. جمله اول «هر کشوری شایسته حکمرانانی است که دارد» در حقیقت بدین معنی است که داشتن رهبری آزادیخواه در یک رژیم مردم سالار برای مردم بصورت یک پادشاه است در حالیکه در جمله دوم وجود رهبران ناسدان و زورگو و چپاولگر، سزای مللی است که به آن بلا دچار است و این برای من قبولش مشکل و دردآور است. چرا که انسان نمیداند آیا «ابتدا مرغ بود، یا تخم مرغ». آیا این ملتهای ناسانند که گرفتار رهبران قلندر و خائن میشوند یا آنکه آن رهبران بزور و با استفاده از انواع و اقسام وسایل مادی و معنوی سعی میکنند بر گروه ملتشان سوار شوند و آنان را در جهل و نادانی نگه دارند تا بهتر از آنها بیگاری بکشند. سؤال مهمی است و واقعا انسان نمیداند جواب آن را در کجا جستجو کند. گاهی یک جمله یا یک تصویر، مدتها ضمیر مرا بخود مشغول میدارد و با روحم بازی میکند. گاهی هم تصادفاً خبری که در روزنامه میخوانم یا از رادیو و تلویزیون می شنوم به آن نوسانی چندان میدهد و کوششم را در جستجوی جواب کمی راحت تر میکند.

نمونه آن، آزادی آقای یاسر عرفات در هفته گذشته بود.

آقای یاسر عرفات رهبر فلسطینیان که مقامات اسرائیلی تقریباً تمام تأسیسات او و ساختمانهای مربوط به آن را ویران کردند، از باقیمانده یکی از آنها آزاد بیرون آمد و با علامت V (پیروزی) لب به سخن گشود. تلویزیون های فرانسه مانند سایر تلویزیون های جهان آقای یاسر عرفات را در پشت میزی همراه با یارانش در حال کنفرانس مطبوعاتی نشان دادند. تقریباً همه چیز در این مصاحبه مطبوعاتی عادی

«معلم» هستم؟! ببخشید «ژنرال» هستم! بتمرگ و خفه شو. هوشنگ مشکین پور در کتاب «از اورشلیم تا اورشلیم» این جمله را از زبان «میمونید» یا «ربی مشه بر میمون» (معروف به رامبام) بازگو میکند: «یک حرامزاده عاقل از یک حاخام نادان بهتر است!» و بدون اینکه «رامبام» را آزرده کنیم میتوانیم ادامه دهیم «و از یک معلم و رهبر هزار بار بهتر است.» زیرا یک آموزگار فهمیده مانند یک رهبر واقعی به فرزندان، راه یاد گرفتن و سؤال کردن و زندگی کردن را می آموزد نه کشتن و کشته شدن را! و یک رهبر سیاسی بسان یک آموزگار دلسوز با آینده نگری و واقع بینی همراه با ملتی که او را بعنوان راهنما برگزیده است، بسوی آینده رهسپار میگردد. در چنین اجتماعاتی ملت از آزادی قلم و کلام برخوردارند. نویسندگان و شعرا با نوشته ها و هنرمندان با هنر خود اعم از نقاشی و موسیقی یا سینما و تئاتر از رهبران انتقاد میکنند و در حقیقت آنها را مورد سؤال قرار میدهند.

اجازه بدهید تا این مقاله را با جمله ای که در آخرین صفحه خاطرات «داوید کریج» دانشجوی ۲۰ ساله فرانسوی اهل استراسبورگ که بدست «آدم نمائی» از شاگردان مکتب عرفات در کافه تریای دانشگاه اورشلیم بهلاکت رسید خاتمه دهم. وی نوشته است:

«آنجا که سؤال است، مظهری از الوهیت جلوه گر است!» گوئی او این جمله را در واکنش نسبت به گفته «میلام کندرا» نویسنده چک برنده جایزه نوبل نوشته که میگوید: «کشوری که در آن پاسخ وجود داشته باشد ولی سئوالی در میان نباشد، کشوری خودکامه و استبدادی است.»

آنطرف هستند باید سرشان روی زمین باشد و بیفتند پائین!» البته سؤال بچگانه ای بود چون من آن موقع از قوه جاذبه زمین و موقعیت آن نسبت به کواکب و سیارات چیزی نمیدانستم. ولی ناگهان آقای معلم باد در غبغب انداخت و با همان لهجه غلیظ اصفهانی که هنوز در گوشم ظنین انداز است ولی با لحنی شدید و خشن گفت: «بی شعوری احمق، این چه سؤال احمقانه ایس که تو میکونی، بتمرگ بشین و خفه خون بیگیری!»

من مثل گوجه فرنگی سرخ شدم و نشستم و دیگر هرگز از او سئالی نکردم. برای اثبات گرد بودن کره زمین هم بدور دنیا که نمیتوانستم بگردم، در شهر ما هم دریائی نبود و در رودخانه زاینده رود هم خبری از کشتی نبود! خوشبختانه یکی از خاله های عزیزم در یکی از محله های اصفهان موسوم به پامنار خانه داشتند. در پشت این خانه زمین نسبتاً وسیعی بود که کشتزار خشخاش بود و ما بچه ها پس از استخراج تریاک از آن خشخاشها شکمی از عزا در میآوردیم. مدتها هر وقت به آن محل که آنرا صحرا مینامیدند میرفتیم، من سعی میکردم بدون آنکه کسی متوجه بشود به افق نگاه کنم تا گردی آنها بچشم خود ببینم ولی زهی اتلاف وقت! و از نادانی خود رنج بردن!

سالها طول کشید تا من بفهمم که دلیل آن جواب وحشیانه آقای معلم در آن روز فقط نادانی او و بی شهامتی و نامردانگیش در قبول و اعتراف آن بود. درست بسان آقای عرفات که بجای جوابی سیاستمدارانه در خور یک رهبر، آرامش و ثبات خود را از دست داد و به آن روزنامه نگار پرید و بزبان بی زبانی گفت: بی شعور احمق، این چه سؤال احمقانه ای است که از من میکنی؟ مگر نمیدانی من

الکترو لایت
تعمیرات کلیه لوازم برقی
توسط متخصصین فنی
• سیم کشی ساختمان • نصب کولر و چراغهای سقفی
• نصب تلفن های داخلی
• نصب تایمر برای شبات
Cel.: (516) 312-9355
Tel: (718) 897-4694 pager: (917) 768-2476

آژانس مسافرتی
Unique Travel
با بهترین نرخها و سرویس برتر
برای مسافرتهاى داخلی، خاورمیانه، اروپا و خاور دور
بهترین تورها مخصوص اسرائیل و ایران
برای کسب اطلاعات بیشتر با خانم ناهید نورانی
تماس حاصل فرمایید.
(212) 421-5570 (917) 821-4707